

بررسی امکانات و مشکلات تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی

خدانظر رحمت زهی^۱، عباس مرادی^۲، شهلا سپاهی^۳

^۱ استاد دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری زاهدان

^۲ کارشناس پژوهشی و کتابداری دانشگاه فرهنگیان زاهدان

^۳ دانشجوی کارشناسی رشته ی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان واحد زاهدان

نام نویسنده مسئول:

خدانظر رحمت زهی



چکیده

هدف از این پژوهش بررسی امکانات و مشکلات تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی می باشد. در بسیاری از کودکان و نوجوانان توانایی های بالقوه برای عملکرد تحصیلی بهتر و کسب موفقیت وجود دارد اما آنها نشان می دهد هر ساله عده ی قابل توجهی از دانش آموزان دچار افت تحصیلی، مردودی و مشکلات ناشی از آن می شوند مردودی و مشکلات ناشی از آن می شوند و علاوه بر ائتلاف عمر خود و سرمایه های اقتصادی خانواده، خسارت های هنگفتی را بر اقتصاد ملی تحمیل می سازند. بسیاری از کودکان که ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است. هوش آنها کمابیش عادی است، به خوبی صحبت می کنند، مانند سایر کودکان بازی می کنند و مثل همسالان خود با دیگران ارتباط برقرار می نمایند. این کودکان در خانه نیز خودیاری های لازم را دارند، کارهایی را که والدین به آنان واگذار می کنند به خوبی انجام می دهند و از رفتار و اخلاق عادی برخوردارند. لیکن وقتی به مدرسه می روند و می خواهند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند دچار مشکلات جدی می شوند. این مدارس از نظر فضاهای آموزشی، اداری، پشتیبانی، گردش، زیربنای ساخت و فضای باز محوطه مطابق استانداردهای سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور می باشد. از نظر همجواری مدارس با کاربری های سازگار وضعیت نسبتاً مطلوب می باشد.

کلمات کلیدی: امکانات مدارس ابتدایی، مشکلات تحصیلی، دانش آموزان ابتدایی.

مقدمه

امروزه ضرورت آشنایی عوامل اداری و آموزشی مدارس، با مشکلات و تنگناهای تحصیلی بیش از پیش مشهود است. معلمان برای اینکه بتوانند با موفقیت به امر آموزش و پرورش بپردازند؛ نیاز به شناخت دانش آموزان و آگاهی نسبت به نقاط ضعف و قوت یادگیرندگان و عناصر مرتبط با آموزش دارند. به نظر می رسد دوران و روزگار کسانی که بخواهند بدون توجه به نیازهای دانش آموزان و ابعاد رشدی آنان و تعامل عوامل گوناگون صرفاً با تکیه بر دانش خود به آموزش و پرورش بپردازند؛ پایان یافته است. تعلیم و تربیت انسان از بدو پیدایش بشر مورد توجه بوده؛ اما اهمیت آن در قرون اخیر بطور فزاینده ای آشکار شده است. در حال حاضر آموزش و پرورش، کلید توسعه جوامع محسوب می گردد؛ و موفقیت و سعادت ملتها به کیفیت تعلیم و تربیت بستگی دارد، بدون تردید آینده هر کشوری را می توان از سیمای کنونی آموزش و پرورش آن دریافت کرد. به نظر می رسد عوامل متعدّد فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای در شکل‌گیری و افزایش این مشکلات سهیم هستند. از جمله می توان به مواردی نظیر هوش، داشتن هدف و انگیزه، مشکلات جسمی و روانی، ناسازگاری‌های رفتاری، شیوه‌های فرزند پروری، امکانات آموزشی و پرورشی و غیره اشاره نمود. گرچه عوامل زمینه‌ساز مشکلات تحصیلی طیف گسترده‌ای دارند و کاهش یا رفع آن‌ها نیاز به برنامه ریزی در سطح ملی دارد، اما نقش مدارس در پیش‌گیری و کنترل برخی از عوامل مؤثر، بر کسی پوشیده نیست. شناسایی به موقع مشکلات تحصیلی و ایجاد تغییرات مناسب در موقعیت‌های آموزشی و پرورشی مدرسه، شرایط مطلوب‌تری را برای یادگیرندگان فراهم می‌سازد.

بیان مسأله

امروزه آموزش و پرورش، تنها وسیله دسترسی به توسعه و پیشرفت است و توجه به کمیت و کیفیت آموزش و پرورش یکی از عواملی است که در تداوم و تسریع توسعه جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی دخیل می باشد. در این میان آموزش ابتدایی، به عنوان یکی از زیر نظام های آموزش و پرورش و اولین دوره آموزش رسمی و عمومی از اهمیت بیشتری برخوردار است. این دوره را دوره تأدیپ، خلاقیت و بروز استعدادها می گویند. آموزش ابتدایی زمانی در پیشرفت ملت ها مؤثر واقع می شود که کیفیت مناسبی به آن حاکم باشد. بی تردید کیفیت در نظام آموزش ابتدایی پیش نیاز توسعه منابع انسانی برای جوابگویی به تقاضای تغییرات تکنولوژی در قرن بیست و یک خواهد بود؛ زیرا که یک نظام آموزش ابتدایی ضعیف، کل نظام توسعه سرمایه انسانی را به مخاطره می اندازد، این نظام از یک سو دانش آموزانی تربیت خواهد کرد که آمادگی لازم برای ورود به دوره متوسطه و آموزش عالی را ندارند و از سوی دیگر بزرگسالانی بیسواد تحویل جامعه می دهد، مهمتر از آن به تعداد کافی والدین و مدیرانی که آموزش واقعی دیده باشند برای مشارکت در توسعه تربیت نخواهد کرد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجائیکه تعلیم و تربیت انسان ها از جایگاه والایی برخوردار است. هردولت و حکومتی می کوشد که برای پرورش نسلهای آینده کشور برنامه ریزی دقیق و اساسی نماید. سازندگی هر کشوری، بستگی کامل به سطح آموزشی دارد که در مراکز آموزشی داده می شود، که زیربنای آن در پایه های ابتدایی ریخته می شود. به منظور بالابردن سطح و به ویژه کیفیت آموزش و کاربرد آن در جهت پیشرفت در سطوح مختلف می بایست پژوهشهایی انجام گیرد که آموزش را تسریع بخشیده و موانع آموزشی را از بین راه برداشته و حتی الامکان آن را کم نماید. هراندازه کار تعلیم و تربیت، آگاهانه تر و با دانش و بصیرت بیشتر توأم باشد، از کیفیت بیشتری برخوردار خواهد بود. محیط مدرسه علاوه بر تأثیر روی دانش آموزان بر روی کار معلم هم مؤثر است و در دوران ابتدایی این تأثیر گذاری بیشتر است. توانایی معلم در مهارت هایش صرفاً موفقیت وی را تضمین نمی کند. بلکه شرایط محیطی کلاس نیز در موفقیت او تأثیرگذار است. از عوامل اثربخش کمیت و کیفیت آموزشی، مدرسه و فضای آموزشی است، زمانی که محیط آموزشگاه تنگ و دلگیر بوده و فضای فیزیکی مدرسه نامتناسب باشد، مشکلات رفتاری، انضباطی مختلفی مطرح می شود که این امر فشار کاری و روانی مضاعفی را بر معلمان و دست اندرکاران آموزشی وارد می سازد و موجب فرسودگی شغلی در آنان می گردد. کمبود سرویسهای بهداشتی بر سلامتی دانش آموزان اثر منفی خواهد گذاشت. کمبود تجهیزات و امکانات نامتناسب زمینه ساز افت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان می گردد و عدم استفاده از رنگ آمیزی و فضا سازی متناسب با سن کودکان منجر به کاهش انگیزه و علاقه به یادگیری خواهد شد اهمیت نظام آموزش ابتدایی و ضرورت افزایش کارایی آن، پرداختن به برنامه ریزی آموزشی را ایجاب می کند. انجام این امر مستلزم تشخیص مسائل، نارسائی ها و کاستی های آن از طریق انجام تحقیقات آموزشی است.

اهداف تحقیق

هدف از تحقیق حاضر بررسی امکانات و مشکلات تحصیلی در دانش آموزان مقطع ابتدایی می باشد که شامل مسائل اداری، آموزشی و مالی با استانداردهای مطلوب، می باشد.

روش تحقیق

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به توصیف وضعیت موجود از لحاظ امکانات و مشکلات تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی می پردازد و به دنبال تایید، تعدیل یا رد نظریه علمی نیست، نوع تحقیق توصیفی می باشد.

اهداف آموزش و پرورش دوره ابتدایی

در پیش نویس برنامه اول توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران هدف از آموزش و پرورش دوره ابتدایی این گونه اعلام شده است: "پرورش فضای دینی و اخلاقی در دانش آموزان و کمک به رشد و خلاقیت آنها، پرورش قوای جسمانی دانش آموزان، آموزش نکات بهداشتی به منظور رعایت مسایل بهداشتی در خانواده و جامعه، آشنا کردن کودکان و عادت دادن آنها به زندگی جمعی خارج از خانواده و آشنا کردن آنان به اطاعت از قانون" (صافی، ۱۳۷۳). بطورکلی اهداف دوره ابتدایی در مقوله های زیر طبقه بندی می شوند، که دانش آموزان بایستی در پایان دوره تحصیلی به این اهداف دست یابند.

۱- اهداف اعتقادی

آشنایی و اعتقاد نسبت به اصول دین، دوست داشتن خداوند، آشنایی با زندگی انبیاء اولوالعزم به ویژه حضرت محمد(ص) و معصومین و دوست داشتن آنها، آشنایی با معنای معاد و پاسخگو بودن انسان نزد خداوند، احترام به اولیاء دین، بزرگان و شخصیت‌های اسلامی، آشنایی با معنای تولی و تبری، روخوانی و از حفظ خواندن برخی سوره های قرآن، آشنایی با ترجمه برخی از سوره های قرآن و برخی از احادیث ساده، درست خواندن نماز و آشنایی با احکام ضروری، آشنایی با مسایل مربوط به سن تکلیف(برای دختران)، آشنایی با حلال و حرام و رعایت احکام مربوط به آن.

۲- اهداف اخلاقی

راستگو و امین بودن، مودب و مهربان بودن، پایبندی به عهد خود، احترام به بزرگترها و اطاعت از والدین، شجاع و صبور بودن، دوست داشتن پاکیزگی، انجام دادن تکالیف روزانه، تلاش برای رسیدن به موفقیت، داشتن ظاهری آراسته، امیدوار بودن، بخشنده بودن، ناپسند خود،

۳- اهداف علمی و آموزشی

کنجکاو نسبت به شناخت پدیده ها، داشتن مهارت در فکر کردن، شنیدن، گفتن، بیان مقصود، خواندن، نوشتن و حساب کردن. آشنایی با زبان فارسی و استفاده از کتاب و روزنامه. آگاهی نسبت به اهمیت اطلاعات و اطلاع رسانی. آشنایی نسبت به ارزش علم.

۴- اهداف فرهنگی، هنری

توجه و دوست داشتن زیبایی های طبیعت، از زیبایی موجود در طبیعت الگو گرفتن، لذت بردن از آثار هنری، نشان دادن خلاقیت هنری در انجام فعالیتها، دوست داشتن سنت ها، آشنایی با برخی از آثار هنری، علاقه مندی نسبت به خواندن اشعار و قصه های مناسب، ارزش قائل شدن به آداب فرهنگی و اجتماعی اسلامی- ایرانی.

۵- اهداف اجتماعی

آشنایی با وظایف خود در قبال خانواده، دوستان و همسایگان. کمک به اعضای خانواده و احترام به والدین. قانع بودن و رعایت حقوق دیگران. استفاده از راه های درست برای به دست آوردن حق خود. دوستی و کمک به همکلاسان، شرکت در فعالیت های گروهی و عمل به مقررات مدرسه. پذیرفتن انتقاد و محترمانه از دیگران انتقاد کردن. قدردانی از دیگران. رعایت آداب سخن گفتن. علاقه به خدمت کردن به میهن و مردم.

ویژگی های کودکان در دوره ابتدایی

معلمان و مربیان این دوره را دوره آموزش مقدماتی و یادگیری اصول و مبادی علم و دانش نام گذاری می کنند و روانشناسان از این دوره با عنوان سنین گرایش به دسته و گروه، سن خلاقیت و سن بازی یاد می کنند (سیف و همکاران، ۱۳۸۵). پیاژه این مرحله از رشد را مرحله عملیات عینی نام گذاری کرده است. و معتقد است کودک در این مرحله توانایی انجام اعمال منطقی را کسب می کند اما این اعمال را با امور محسوس و عینی می تواند انجام دهد نه با امور فرضی و پدیده های انتزاعی. از رویداد های مهم این مرحله درک مفهوم بقای ماده، عدد، وزن و حجم توسط کودک است. از دیگر توانایی های کودک در این مرحله، توانایی طبقه بندی کردن، ردیف کردن و کار با اعداد می باشد. فروید نیز این مرحله از رشد را مرحله نهفتگی و رکود می نامد. در این مرحله شاهد کاهش تعارض ها هستیم و کودک برای پذیرش زندگی اجتماعی و رعایت اصول اخلاقی آماده می گردد.

مشکلات تحصیلی دانش آموزان ابتدایی

بسیاری از معلمان دوره های ابتدایی و راهنمایی در کلاس های خود با دانش آموزانی رو به رو می شوند که در یک یا چند زمینه مانند صحبت کردن، روخوانی، املانویسی و یا ریاضیات مشکل دارند. در یک طبقه بندی کلی، کودکان دارای مشکلات تحصیلی به چهار گروه تقسیم می شوند:

۱. کودکان عقب مانده ی ذهنی

این گروه برحسب میزان هوش آن ها در سه دسته تربیت ناپذیر، تربیت پذیر و آموزش پذیر قرار می گیرند.

۲. کودکان دارای مشکلات جسمی نظیر ضعف در شنوایی، بینایی و...

۳. کودکان مبتلا به ضایعه ی مغزی

این مشکل بنا به علل مختلفی از جمله نرسیدن اکسیژن به مقدار کافی به مغز در بدو تولد و تشنج ها رخ می دهد. این ضایعات مغزی ممکن است به شکل خفیف یا گسترده باشند.

۴. کودکان دارای مشکلات تحصیلی

در این گروه از دانش آموزان، مشکلات تحصیلی ناشی از عقب افتادگی ذهنی، وجود مشکلات جسمی یا ضایعه ی مغزی نیست بلکه نوعی اختلال یا ناهماهنگی در قوای مختلف یادگیری وجود دارد که با استفاده از روش های خاص آموزشی می توان آن را رفع نمود این مشکلات در طبقه بندی های علمی تحت عنوان « اختلالات یادگیری » بررسی می شود.

اختلالات یادگیری به نقایصی در کودک یا نوجوان در زمینه ی کسب مهارت های مورد انتظار خواندن، نوشتن، تکلم، گوش دادن، استدلال یا ریاضیات اطلاق می گردد و کودک مبتلا از این لحاظ نسبت به کودکان هم سن و دارای ظرفیت هوشی مشابه در سطحی پایین تر قرار دارد. اختلالات یادگیری نادر نیست؛ و در حداقل ۵ درصد کودکان سنین مدرسه مشاهده می شود. در ویرایش چهارم کتابچه ی تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) اصطلاحات اختلالات یادگیری ارایه شد. این اختلالات قبلاً اختلالات مهارت های تحصیلی نامیده می شد. کلیه ی تشخیص های اختلال یادگیری مستلزم آن است که پیشرفت کودک در یک زمینه یادگیری خاص به مراتب کمتر از حد مورد انتظار باشد و مشکلات تحصیلی مانع از پیشرفت تحصیلی یا فعالیت های زندگی روزمره شود. در زمینه ی اختلالات یادگیری چند طبقه تشخیصی گنجانده شده است: اختلال خواندن، اختلال ریاضیات، اختلال بیان نوشتاری.

اختلالات یادگیری اغلب سبب می شوند موفقیت در تحصیل برای کودک عذاب آور شود و در برخی موارد منجر به دلسردی، عزت نفس پایین، سرخوردگی مزمن، و روابط ضعیف با همسالان می شوند. اختلالات یادگیری به میزان بیش از حد متوسط با خطر انواع اختلالات همزمان از جمله اختلال نقص توجه / بیش فعالی، اختلالات ارتباط، اختلالات سلوک و اختلالات افسردگی همراهند. بزرگسالان دچار اختلالات یادگیری در معرض مشکلات مربوط به اشتغال و سازگاری اجتماعی قرار دارند. استعداد ژنتیکی، ضایعه ی مغزی، اختلالات عصبی، و سایر اختلالات طبی ممکن است در بروز این اختلالات نقش داشته باشند، اما بسیاری از کودکان و نوجوانان دچار اختلالات یادگیری واجد هیچ عامل خطر ساز خاصی نیستند. با این همه، اختلالات یادگیری اغلب همراه با اختلالاتی نظیر مسمومیت با سرب، سندرم جنین الکلی و مواجهه داخل رحم با داروها دیده می شود.

ویژگی‌های تشخیصی

اختلال‌های یادگیری زمانی تشخیص داده می‌شوند که پیشرفت فرد در آزمون‌های استاندارد شده‌ی فردی برای خواندن، ریاضیات و بیان نوشتاری اساساً پایین‌تر از سطح سنتی، هوشی و تحصیلی مورد انتظار باشد. مشکلات تحصیلی در پیشرفت تحصیلی یا فعالیت‌های روزمره‌ای که مستلزم مهارت‌های خواندن، ریاضیات و نوشتن است به میزان قابل ملاحظه‌ای اختلال ایجاد می‌کنند. اختلال‌های یادگیری ممکن است تا بزرگ سالی ادامه یابند. تقریباً ۴۰ درصد از نوجوانانی که به این اختلال مبتلا هستند قبل از اتمام دبیرستان، ترک تحصیل می‌کنند. خیلی از افراد مبتلا به اختلال یادگیری حتی خارج از محیط مدرسه عزت نفس پایین دارند و احساس بی‌کفایتی و شرمساری می‌کنند. از طرف دیگر اختلال یادگیری لزوماً فرد را به زندگی ناکام کننده محکوم نمی‌کند، در واقع برخی از افراد مشهور مانند آلبرت انیشتین، توماس ادیسون، وینستون چرچیل، چارلز داروین و... بر اختلال یادگیری کودکی خود غلبه کرده‌اند.

با توجه به تعاریف موجود در منابع علمی، دانش آموزی مشکل یادگیری دارد که:

- ۱- تنها در یک یا چند ماده‌ی درسی مشکل داشته باشد نه همه‌ی دروس.
- ۲- از نظر هوشی در حد متوسط یا بالاتر از متوسط باشد.
- ۳- از نظر بینایی، شنوایی و مغزی سالم باشد.
- ۴- در ادراک شنیداری، دیداری، درک زبان شفاهی و کتبی مشکل داشته باشد.
- ۵- پیشرفت تحصیلی وی تا حد قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطح هوشی، سن و امکانات آموزشی است که از آن برخوردار می‌باشد.

میزان شیوع

در حال حاضر در اروپا بین ۴ تا ۱۲ درصد کل دانش آموزان به این عارضه دچار هستند در حالی که این میزان در ایران به ۴۰ تا ۶۰ درصد می‌رسد. (متأسفانه کمبود امکانات آموزشی مناسب مشکلات دانش آموزان را در یک درس یا حتی کل دروس مضاعف کرده است) نتایج تحقیقات نشان می‌دهد تعداد پسران مبتلا به اختلال خواندن ۴ برابر بیش‌تر از دختران است و تقریباً ۶ درصد کودکان مدرسه‌ای مشکلاتی در درک ریاضیات دارند.

عوامل مرتبط با مشکلات تحصیلی

محققان اعتقاد دارند عملکرد مغز یا عملکرد ادراکی در کودکانی که مشکلات تحصیلی دارند با سایر کودکان عادی تفاوت دارد و تصور می‌کنند این عوارض به علت عملکرد نامناسب دستگاه عصبی مرکزی رخ می‌دهد. البته عوامل محیطی هم در تشدید مشکلات تحصیلی دخالت دارند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- جدایی طولانی مدت کودک از والدین به ویژه مادر در یک سال اول زندگی.
- ۲- بیماری، ضعف و ناتوانی شدید و طولانی مدت در دوران زندگی یا سال‌های اولیه‌ی زندگی.
- ۳- بی‌توجهی به کودک به گونه‌ای که از رابطه‌ی عاطفی با والدین، بزرگ سالان یا سایر کودکان محروم شده باشد.
- ۴- وجود مشکلات رفتاری مانند بی‌قراری، ناآرامی و گریه‌ی زیاد و بیش از حد معمول.
- ۵- سوء تغذیه، گرسنگی شدید و کمبود کالری و پروتئین به نحوی که موجب ضعف کودک و آسیب پذیری او در برابر عفونت‌ها و بیماری‌ها شود.
- ۶- اختلافات فرهنگی / زبانی (به عنوان مثال کودکانی که در خانواده به زبان رایج در جامعه و مدرسه صحبت نمی‌کنند).
- ۷- فقدان شرایط مناسب آموزشی (آموزش توسط معلمان کم تجربه و بدرفتار، تنبیه بدنی توسط معلمان و سابقه‌ی مردودی و غیبت از مدرسه در طول دوران تحصیل).

انواع اختلالات یادگیری

کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری ممکن است در یکی یا چند مورد از زمینه‌های زیر دچار مشکل باشند:

- * اختلال در زبان گفتاری
- * اختلال در زبان نوشتاری
- * اختلال خواندن
- * اختلال در حساب

به عبارتی ممکن است کودکی در همه زمینه‌های فوق به جز یک زمینه عملکرد خوب و مناسبی داشته باشد، ولی در یک زمینه دچار مشکل شود و به این ترتیب همپوشی‌های مختلفی در زمینه‌های یاد شده ممکن است اتفاق بیفتد.

مشکل در خواندن

ویژگی اصلی اختلال خواندن، کاستی در مهارت‌های خواندن است که با هوش پایین و مشکلات آموزشی قابل توجیه نیست. کودکان مبتلا به این اختلال در موقع خواندن متون مختلف، اشتباه‌های متعددی مرتکب می‌شوند که با حذف، افزودن و دگرگون کردن کلمه‌ها مشخص می‌شود. هم چنین این کودکان در تفکیک شکل و اندازه حروف به خصوص حروفی که از نظر جهت یابی فضایی و طول خطوط متفاوتند، اشکال دارند. سرعت خواندن آن‌ها کم و با حداقل فهم همراه است و هر چند در بعضی از آن‌ها توانایی رونویسی از روی متن چاپی را مشاهده می‌کنیم، اما تقریباً همه آن‌ها در هجّی کردن ضعیف هستند. در افرادی که اختلال در خواندن دارند (که به آن خوانش پریشی هم می‌گویند) بلند خوانی با تحریف، جانشین سازی یا حذف اصوات همراه است و خواندن چه با صدا و چه بدون صدا با کندی و خطاهای استنباطی مشخص می‌شود.

خواندن کودکان مبتلا به این اختلال نموده‌های متعددی دارد مثلاً حروف یک کلمه را پس و پیش، از وسط یا آخر کلمه می‌خوانند. صدای حروف را به خوبی به یاد نمی‌آورند در فراخوانی و به یاد آوردن، ردیف کردن حروف چاپی و کلمات، پردازش دستورالعمل‌های پیچیده‌ی دستوری، استنباط و استنتاج مشکل دارند. در نتیجه از نوشتن و خواندن دل خوشی نداشته، اعمال مربوط به خواندن اضطرابشان را افزایش می‌دهد. شکست‌های مستمر و یاس ناشی از آن احساس شرم و حقارت آن‌ها را دامن می‌زند و با گذشت زمان و عمیق‌تر شدن این احساس به سمت افسردگی یا پرخاشگری گرایش پیدا می‌کند. در این گروه از کودکان، تجربه‌ی شکست‌های مکرر تحصیلی تردیدهایشان را در مورد ناتوانی خود به یقین مبدل ساخته و به دلیل گسترش این خود پنداری محتاج مداخله درمانی می‌شوند.

مشکلات اختصاصی این گروه در خواندن عبارت است از:

- ۱- اشتباه تشخیص کلمات مشابه غار و غاز جای و جای
- ۲- حدس زدن کلمات با در نظر گرفتن حروف ابتدا و انتهای کلمات
- ۳- وارونه خوانی کلمات مانند روز به جای زور
- ۴- مشکلات شدید در هجّی کردن کلمات
- ۵- بی‌میلی و انزجار از یادگیری خواندن
- ۶- دشواری‌ها در زمینه‌ی تشخیص جزء از کل

مواد و برنامه های درسی دوره ابتدایی

برنامه درسی عبارت است از پیش بینی کلیه ی فعالیت‌هایی که دانش آموزان تحت رهبری و هدایت معلم برای رسیدن به هدفهای معین باید انجام بدهند. به بیان دیگر برنامه درسی عبارت است از پیش بینی و تهیه مجموعه فرصت های یادگیری برای جمعیتی مشخص به منظور نیل به آرمان ها و هدف های آموزش و پرورش که معمولاً در مدرسه انجام می گیرد (تقی پور ظهیر، ۱۳۸۴). برنامه های آموزشی و پرورشی این دوره، همان طور که از هدفهای آن مشخص می گردد بیشتر به آموزشهای دینی و اخلاقی، تربیت بدنی، آموزش مهارت‌های اولیه ی خواندن، نوشتن و حساب، بهداشت و آموزشهای اجتماعی و همکاری عمومی تأکید دارد (سرکار آرانی، ۱۳۸۲).

تأثیر امکانات و تجهیزات مدرسه بر دانش آموزان

یکی از قسمتهای مهم فلسفه آموزش و پرورش، طرح ریزی و تنظیم محیط فیزیکی برای دانش آموزان است. چگونگی تنظیم و سازماندهی محیط بر رفتار افراد مخصوصاً دانش آموزان تأثیر می گذارد (مفیدی، ۱۳۸۰). محیط فیزیکی یک مدرسه یا کلاس می تواند بر رفتار و نگرش های افراد نسبت به مدرسه و یاد گیری تأثیر بگذارد. فضا و محیط کلاس به طور مستقیم با یادگیری دانش آموزان مرتبط است (آین لی، ۱۹۹۷). مدارس تمیز، ساکت، راحت و از لحاظ بهداشتی مناسب نتایج تحصیلی دانش آموزان را بالا برده و آنها را در یادگیری موفق تر می کند (اشنایدر، ۲۰۰۲). محیط فیزیکی مدرسه باید طوری باشد که به دانش آموزان آسیب نرساند. بنابراین نکات ایمنی در ساخت و ساز این مدارس باید مورد توجه قرار گیرد و محیط فیزیکی باید بر بهداشت روانی دانش آموزان تأثیر مثبت بگذارد (حاتمی و دیگران، ۱۳۸۳). بسیاری از مدارس قدیمی با ساختمان های کوچک و غیر بهداشتی، موجب مشکلات فراوانی می شوند به دلیل فقدان پنجره کافی، نور طبیعی به مقدار کافی وارد کلاس نمی شود. تهویه مناسب صورت نمی گیرد تعداد توالت و دستشویی کمتر از حد معمول بوده و فضای کافی برای بازی شاگردان ندارد، مسلماً دانش آموزان در این مکان ها موفقیت چندانی کسب نمی کنند (حلم سرشت و دل پیشه، ۱۳۸۳). فضای فیزیکی مدرسه در کنار سایر عوامل آموزشی و تربیتی حامل پیام برای دانش آموزان می باشد و بر میزان یادگیری و رشد شخصیت فردی و اجتماعی و نیز تأمین بهداشت روانی آنان تأثیر می گذارد (نوید ادهم، ۱۳۸۲). تحقیقات گلن ۱ در سال (۲۰۰۲) نشان داد که شرایط تسهیلات مدرسه تأثیر مهمی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می گذارد. در این بررسی دمای کلاس و صدا نقش مهمتری داشتند و عامل مهم دیگر قدمت ساختمان مدرسه بود. ریچارد سون و روسن ۲ در سال (۱۹۹۹) ارتباط معنی داری بین افزایش کیفیت سیستم تهویه و کاهش غیبت دانش آموزان از مدرسه یافتند. تحقیق آنها که بر روی مراکز مراقبت روزانه صورت گرفت نشان داد زمانی که مدارس قدیمی از لحاظ تهویه تعمیر می شوند نرخ غیبت در سال اول به ۸/۳۱ درصد و در سال دوم به ۷/۹۴ درصد و در سال سوم به ۳/۷۵ درصد کاهش می یابد.

تأثیر محیط بر فعالیت های نظام آموزشی

نظام آموزشی، با کلیه عوامل بیرون از خود در تعامل می باشد. یک مدرسه در حالی که از اجزای مختلف تشکیل شده است. تحت تأثیر محیط اطراف نیز می باشد. قرار گرفتن مدرسه در روستا، حاشیه شهر و مرکز شهر تأثیرات متفاوتی را می پذیرد. در روستاها به علت کمبود تجهیزات و مواد کمک آموزشی، عدم تقویت، گرایش های متفاوت محلی، شرایط خاص بر مدارس حاکم است. مدارک نشان می دهند که محیط مناسب می تواند به عنوان سوق دهنده کیفیت آموزشی مورد لحاظ قرار گیرد، بایستی امکانات بهداشتی کافی، خدمات تغذیه ای در حومه شهرها برای همه قابل دسترس باشد (پیگوزی، ۲۰۰۶). طبقه اجتماعی والدین نیز بر فعالیت های نظام آموزشی تأثیر گذار است. والدین طبقه متوسط در موارد ضعف درسی دانش آموزان کمتر مبادرت به تنبیه های محروم کننده می کنند.

نتیجه گیری

باتوجه به اینکه این مدارس از لحاظ میزان سرانه فضاهای آموزشی، اداری، زیر بنای ساخت، گردش، فضای باز محوطه در وضعیت مطلوب و حتی بالاتر از استانداردهای سازمان نوسازی می باشند، ولی با وجود این از لحاظ کیفی فاصله زیادی با استانداردها دارند، چرا که بسیاری از این فضاها یا اصلاً مورد استفاده مسایل آموزشی و پرورشی قرار نمی گیرند یا استفاده از آن ها خیلی محدود می باشد، کمبود امکاناتی همچون کتابخانه، کامپیوتر، آزمایشگاه و مواد کمک آموزشی باعث شده که فشار مضاعفی بر معلمان و دانش آموزان این مناطق وارد آید، از طرفی کم توجهی والدین به مسئله تعلیم و تربیت فرزندان خود در این مناطق و عدم برنامه ریزی صحیح مسولین و برنامه ریزان باعث افزایش فرسودگی شغلی در معلمان این منطقه شده و این امر بر نحوه تدریس آن ها اثر منفی گذاشته است.

منابع و مراجع

- [۱] بارکلی. (۱۹۸۲). اختلال نارسایی توجه، فزون جنبشی، ویژگی ها، ارزیابی و درمان. (ترجمه حمید علیزاده، ۱۳۸۳). تهران: انتشارات رشد.
- [۲] آقازاده، محرم؛ فضلی، رخساره. (۱۳۸۴). راهنمای آموزش در کلاس های درس چند پایه. تهران: آبیژ.
- [۳] آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۷۳). خلاصه مقالات نقش آموزش ابتدایی و جایگاه مطلوب آن در جامعه. اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، صص (۱۶-۱۴).
- [۴] احمدیان، احمد. (۱۳۷۴). مجموعه مقالات همایش نقش و آموزش ابتدایی. وزارت آموزش و پرورش.
- [۵] افروز، غلامعلی. (۱۳۷۲). نقش الگوها در رشد شخصیت و پیشگیری از تعارضات روانی کودکان دبستانی. تهران: رشد.
- [۶] امین فر، مرتضی. (۱۳۶۷). علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن. فصلنامه تعلیم و تربیت (۳۶-۹)
- [۷] بابایی، علی اکبر و همکاران. (۱۳۸۲). تواناسازی کارکنان، سرمایه گذاری بی جایگزین. نشریه تدبیر، سال سیزدهم، شماره ۱۲۹، ص ۸۶.

